

سکوت در برابر مسئولیت! مسئولیت در برابر سکوت!

خطبه منای امام حسین علیه السلام با ترجمه حسن رحیم پور

سخنران: حسین پسر علی

مکان: منا

زمان: ذی حجه سال ۶۰ هجری (یک سال قبل از عاشورا)

حظزار: ۲۰۰ صحابی پیامبر ۵۰۰ نفر از تابعین و صدها تن از آگاهان امت

مخاطب: همه ی تاریخ (شاید ما باشیم! به شرط اینکه به قیامت ایمان داشته باشیم!)

بسم الله الرحمن الرحيم

اعتبروا ايها الناس بما وعظ الله به اوليا من سو ثنائہ على الاخبار اذ يقول : « لو لا ينهيهم الربانيون
والاخبار عن قولهم الاثم واكلهم السحت» و قال : « لعن الذين كفروا من بنى اسرائيل على لسان
داوود وعيسى ابن مريم ذلك بما عصوا وكانوا يعتدون، كانوا لا يتناهون عن منكر فعلوه لبئس ما كانوا
يفعلون »

*ای مردم، بزرگان عبرت بگیرید از موعظه‌ای که خداوند به دوستان خود در قرآن میفرماید اگر شما خود را اولیای خدا
میدانید، و اگر دیندارید و مخاطب قرآن هستید پس بی تفاوت ننمایید و احساس تکلیف کنید! آیا ندیده‌اید که خداوند چند بار
در قرآن به روحانیون مسیحی و یهودی به شدت حمله فرموده و آنها را توبیخ کرده است که چرا مردان خدا در جامعه و
حکومت بی‌عدالتی و فساد دیدند و سکوت کردند؟ چرا اعتراض و انتقاد نکردند؟ و فریاد نکشیدند؟ و نیز فرمود: «نفرین بر
کسانی از بنی اسرائیل که کافر شدند. آنها که امر به معروف و نهی از منکر نکردند، و چه بد عمل کردند.»

و انا عاب الله ذلك عليهم لانهم كانوا يرون من الظلمه الذين بين اظهريهم المنكر و الفساد فلا
ينهيهم عن ذلك رغبة فيما كانوا ينالون منهم و رهبة مما يحذرون والله يقولك « فلا تخشوا الناس
واخشون » و قال : « المومنون والمومنات بعضهم اوليا بعض يامرون بالمعروف و ينهون عن المنكر »
فبدالله بالامر بالمعروف و النهي عن المنكر فريضه منه لعلمه بانها اذا اديت و اقيمت استقامت
الفرائض كلها هينها و صعبها و ذلك ان الامر بالمعروف و النهي عن المنكر دعاه الى الاسلام مع رد
المظالم و مخالفه الظالم و قسمه الفبي و الغنائم و اخذ الصدقات من مواضعها و وضعها في حقها

* خداوند علمای مسیحی، یهودی و روحانیون و آگاهان ادیان قبل را نکوهش کرد زیرا ستمگرانی جلوی چشم آنها

فساد میکردند و اینان میدیدند و سکوت میکردند و دم بر نمی‌آوردند. خداوند چنین کسانی را کافر خوانده و توبیخ کرده که چرا در برابر بی‌عدالتی و تبعیض و فساد در حکومت و جامعه‌ی اسلامی ساکت هستید و همه چیز را توجیه و ماستمالی میکنید و رد میشوید؟ چرا سکوت کرده‌اید؟ علت آن این است که عده‌ای از شما میخواهید که سبیلتان را چرب کنند و عده‌ای از شما هم میرسید که سبیلتان را دود بدهند. عده‌ای طمع سفره دارید و سفره‌ی چرب میخواهید تا بخورید و میگویید که چرا خودمان را به زحمت بیندازیم و با نهی از منکر و انتقاد و اعتراض ریسک کنیم؟ فعلا که بساطمان رو به راه است و عده‌ای از شما نیز میرسید. اما مگر در قرآن نمیخوانید که فرمود از مردم ترسید از حاکمان و صاحبان قدرت و ثروت نیز ترسید از من بترسید! آیا شما این آیه را ندیده‌اید؟ آیا سوره‌ی توبه را نخوانده‌اید که میگوید زنان و مردان مومن نسبت به یکدیگر ولایت اجتماعی دارند و حق دارند در کار یکدیگر دخالت نکنند. به این اندازه که یکدیگر را امر به معروف و نهی از منکر کنند. خداوند این حق و اجازه را داده است که شما نسبت به یکدیگر بی‌تفاوت نباشید بلکه حساس باشید. اگر همین یک اصل امر به معروف و نهی از منکر یعنی نظارت دائمی و انتقاد و اعتراض و تشویق به خیرات و عدالت و مبارزه در برابر ظلم و بی‌عدالتی و تبعیض اجرا بشود بقیه‌ی فرائض، تکالیف الهی نیز اجرا می‌شود و همین یک حکم را شما عمل نکنید! ترسید! دنبال دنیا نباشید! سورچران نباشید! اما هیئات که شما اهل همین یک تکلیف هم نیستید. ولی من هستم. امر به معروف و نهی از منکر دعوت به اسلام و دین است منتهای دعوت زبانی تنها نه صرفا اینکه ای مردم بباید و مسلمان شوید! اسلام خوب است و به بعضی شبهاتتان پاسخ بدهیم و تمام. اما نهی از منکر با رد مظالم، جبران همه‌ی بی‌عدالتی‌هایی که میشود و شده است. و نه صرفا گفتن اینکه عدالت خوب است و ظلم بد است. یعنی در برابر ظلم و ستمهایی که شده، ایستادن و آنها را عقب زدن و جبران بی‌عدالتی‌ها، وظیفه عملی شماست. باید درگیر شوید و با ستمگران، چشم در چشم بایستید و بگویید: نه! باید انتقاد و اعتراض کنید و بقیه‌شان را بگیرید. تقسیم عادلانه بیت المال و اموال عمومی و توزیع عادلانه ثروت حکم خداست. گرفتن مالیات از ثروتمندان و هزینه کردن آن به نفع فقرا ادامه همان تکلیف است. شما گروهی که به آدمهای خوب مشهورید و عالمان دین خوانده میشوید، به خاطر خداست که در نزد مردم هیبت دارید و هم بزرگان و هم ضعفا از شما حساب می‌برند.

ثم اتمم ایتها العصابه عصابه بالعلم مشهوره و بالخیر مذکوره و بالنصیحه معروفه و بالله فی انفس الناس مهابه . بها بکم الشریف و یکرکم الضعیف و یوثرکم من لا فضل لکم علیه و لاید لکم عنده , تشفعون فی الحوائج اذا امتعت من طلابها و تمشون فی الطریق بهیبه الملوک و کرامه الاکابر. الیس کل ذلک انما نلتموه بما یرجی عندکم من القیام بحق الله و ان کنتم عن اکثر حقه تقصرون فاستخفتم بحق الائمة

* شما به نام دین از شما حساب می‌برند و و احترام می‌گذارند و شما را بر خودشان ترجیح می‌دهند. در حالی که هیچ فضیلتی بر آنها ندارند. و هیچ خدمتی به این مردم نکرده‌اید. و مردم مجانی برای شما احترام قائل‌اند. و شفاعت شما را می‌پذیرند. شما به نام دین است که اعتبار و نفوذ کلمه دارید. در خیابان‌ها مثل شاهان نام می‌برند. و با هیبت و کبکیه رفتار می‌کنید. به راستی چگونه به این احترام و اعتبار اجتماعی رسیده‌اید. فقط به این علت که مردم از شما توقع دارند که به حق خدا قیام کنید. اما شما در اغلب موارد از انجام وظیفه و احقاق حق الهی کوتاهی کرده‌اید و حق رهبران الهی را کوچک شمرده‌اید.

فاما حق الضعفا فضیعتهم و اما حاکم بزعمکم فطلبتهم . فلا ما لا بذلتموه و لا نفسا خاطرتم بهالذی خلقها و لا عشیره عادیتموها فی ذات الله انتم تتمنون علی الله جنته و مجاوره رسله و امانا من عذابه .

لقد خشيت عليكم ايها المتمنون على الله ان تحل بكم نقمه من نعماته لانكم بلغت من كرامه الله منزله فضلتم بها و من يعرف بالله لا تكرمون و انتم بالله في عباده تكرمون و قد ترون عهدوا لله منقوضه فلا تفزعون و انتم لبعض ذمم ابا نكم تفزعون و ذمه رسول الله صلى الله عليه و اله محفوره و العمى والبكم والزمنى فى المدائن مهمله لا ترحمون و لا فى منزلتكم و لا من عمل فيها تعينون و بالادهان و المصانعه عند الظلمه تامنون , كل ذلك مما امركم الله به من النهى و التناهى و انتم عنه غافلون . و انتم اعظم الناس مصيبه لما غلبتم عليه من منازل العلماء لو كنتم تشعرون .

* حق مستضعفان و طبقات محروم جامعه را تضييع کرده‌اید. شما نسبت به حق ضعفا و محرومین کوتاه آمده‌اید. این حقوق را نادیده گرفته‌اید و سکوت کرده‌اید اما هر چیز که فکر میکردید حق خودتان است مطالبه کردید. شما هر جا حق ضعفا و مستضعفین بود کوتاه آمدید و گفتید ان شاء الله خدا در آخرت جبران میکند اما هر جا منافع خودتان بود ان را به شدت مطالبه کردید و محکم ایستادید. شما نه مالی در راه خدا بذل کردید و نه جانتان را در راه ارزشها و عدالت به خطر انداختید و نه حاضر شدید با قوم و خویشها و دوستانتان به خاطر خدا و اجرای عدالت و اسلام درگیر بشوید. با همه‌ی این کوتاهی‌ها از خدا بهشت را هم میخواستید؟ پس از همه‌ی این عافیت طلبی‌ها و دنیا پرستی‌ها منتظرید که در بهشت همسایه‌ی پیامبران او باشید! در حالی که من میترسم خداوند در همین روزها از شما انتقام بگیرد. خداوند از شما انتقام خواهد گرفت. مقام شما از کرامات خداست. دستاورد خودتان نیست. شما مردان الهی و مجاهدان و عدالت‌خواهان را اکرام و احترام نمیکنید و تکلیف شناسان را قدر نمیدهید. حال آنکه به نام خدا در میان مردم محترمید. میبینید که پیمانهای خدا در این جامعه نقض میشود و آرام نشسته‌اید و فریاد نمی‌زنید اما همین که به یکی از میثاقهای پدرانتان بی‌حرمتی شود داد و بیداد به راه میان‌آید. میثاق خدا و پیامبر خدا زیر پا گذاشته شده، شما آرامید، سکوت کرده و آن را توجیه میکنید. حال میثاق پیامبر در این جامعه تحقیر شده است؛ لاله‌ا، زمینگیران، کوران، فقرا و بیچاره‌ها در سرزمینهای اسلامی بر روی زمین رها شده‌اند و بی‌پناهند و کسی به اینها رحم نمی‌کند. شما به این وظیفه‌ی دینی و الهی‌تان عمل نمیکنید و کسی مثل من هم که میخواهد عمل کند، کمکش نمیکنید. میثاق خدا این است که بیچاره‌ها و زمینگیرها نباید در شهرها گرسنه بمانند و کسی به دادشان نرسد. این میثاق خداست و شما خیانت کرده‌اید. شما مدام به دنبال ماستمالی و مسامحه؛ یعنی سازش با حاکمیت هستید تا خودتان امنیت داشته باشید، ولی امنیت و حقوق مردم برایتان مهم نیست. فقط امنیت و منافع خودتان برایتان مهم است. همه‌ی اینها محرّمات الهی بود که می‌بایست ترک میکردید و نکردید.

ذلک بان مجاری الامور والاحکام على ایدی العلمات بالله الامنا على حلاله و حرامه فانتم المسلمون تلك المنزله و ما سلبتم ذلک الا بتفرقکم عن الحق واختلافکم فی السنه بعد البینه الواضحه . و لو صبرتم على الاذی و تحملتم الموهونه فی ذات الله کانت امور الله علیکم ترد و عنکم تصدر و الیکم ترجع و لکنکم مکنتم الظلمه من منزلتکم واستسلمتم امور الله فی ایدیهم یعملون بالشبهات و یسیرون فی الشهوات . سلطهم على ذلک فرارکم من الموت و اعجابکم بالحیاه التي هی مفارقتکم , فاسلمتم الضعفا فی ایدیهم فمن بین مستعبد مقهور و بین مستضعف على معیشتهم مغلوب , یتقلبون فی الملك بارائهم و یستشعرون الخزی باهوائهم اقتدا بالاشرار و جراه على الجبار , فی کل بلد منهم على منبره خطیب یصق , فالارض لهم شاعره و ایدیهم فیها مبسوطه و الناس لهم حول لا یدفعون یدلامس , فمن بین جبار عنید و ذی سطوه على الضعفه شدید , مطاع لا یعرف المبدی المعید فیاعجیا و مالی اعجب و الارض من غاش غشوم و متصدق ظلوم و عامل [لا] على

المومنین بهم غیر رحیم . فالله الحاکم فیما فیه تنازعنا والقاضی بحکمہ فیما شجر بیننا.

* شما می‌بایست این ستمگران و فاسدان را نهی از منکر میکردید و نکرديد، و مصیبتان از همه بالاتر است. چون عالم به دین و اصحاب پیامبر بودید و چشم مردم به شما بود و شما را نماینده‌ی اسلام میدانستند. مجرای حکومت و مدیریت و رهبری جامعه باید به دست علمای الهی باشد که امین بر حلال و حرام خداوند هستند، اما شما کاری کردید که این مقام را از آنها گرفتند و موفق شدند حکومت را منحرف کنند، زیرا شما زیر پرچم حق متحد نشدید و پراکنده و متفرق شدید و در سنت الهی اختلاف کردید با این که همه چیز روشن بود. اگر حاضر بودید زیر بار شکنجه و توهین، مخالفت کنید و در راه خدا رنج ببرید، حکومت در دست صالحان بود، اما شما در برابر بی‌عدالتی و ستمگران، تمکین و امور الهی و حکومت را به اینان تسلیم کردید، حال آنکه آنان به شبهات عمل می‌کنند و طبق شهوات خود حکومت می‌کنند و دین را از حکومت تفکیک کردند. فرار شما از مرگ، اینان را بر جامعه مسلط کردند، شما به زندگی دنیایی چسبیده‌اید و حاضر نیستید از آن جدا شوید. اما بدانید که هر کس در راه خدا کشته نشود، عقابت می‌میرد. آیا گمان می‌کنید اگر شهید نشوید تا ابد زنده می‌مانید؟ اما اگر شهید نشوید، مدتی بعد با ذلت می‌میرید. شما از دنیا دست بر نمی‌دارید، اما دنیا از شما دست برمی‌دارد. پس ای علمای الهی، تا دیر نشده جانتان را در خطر بیاندازید و از حیثیتان در راه دین و ارزشها مایه بگذارید و فداکاری کنید. شما این ضعفا و مستضعفین و فقرا و محرومین را دست بسته تحویل دستگاه ظالم داده‌اید. گروههایی از مردم برده‌ی اینان شده‌اند و مثل برده‌های مقهور و شکست خورده، زیر دست و پای آنان له میشوند. عده‌ای نان شبشان را نمی‌توانند تهیه کنند. در هر شهری عده‌ای را گماشته‌اند که افکار عمومی را بسازند و به مردم دروغ بگویند. مردم نمیتوانند دستی را که به ستمشان می‌آید تا به آنها زور بگویند، عقب بزنند و از خود دفاع کنند. شما همه‌ی این صحنه‌ها را میدیدید و کاری نمیکردید. اینان عده‌ای ستمگر و صاحبان قدرت‌اند که علیه ضعفا و محرومین بسیار خشن عمل می‌کنند و به روش غیر اسلامی حکومت می‌کنند و متاسفانه بی‌چون و چرا هم اطاعت می‌شوند. در حالی که نه خدا را می‌شناسند و نه آخرت را قبول دارند. تعجب می‌کنم از شما که این زمین زیر پای ظالمان صاف و پهن است، عده‌ای باج بگیر حکم میرانند، و کارگزاران حکومت هم بویی از عاطفه و انسانیت و مهربانی نبرده‌اند و شما هم باز ساکتید.

اللهم انک تعلم انه لم یکن ما کان منا تنافسا فی سلطان و لا التماسا من فضول الحطام و لکن لنری المعالم من دینک و نظهر الاصلاح فی بلادک و یامن المظلومون من عبادک و یعمل بفرائضک و سننک و احکامک . فان لم تتصرونا و تنصفونا قوی الظلمه علیکم و عملوا فی اطفا نور نبیکم . و حسبناالله و علیه توکلنا و الیه انبنا و الیه المصیر

* خدایا تو می‌دانی که قیام ما له‌له زدن برای سلطنت، تنافس در قدرت و گدایی دنیا و شهرت نیست، بلکه تنها برای برپاکردن نشانه‌های دین تو قیام کردیم. این علامتهای راهنمایی و تابلوهای راه را انداخته‌اند و من می‌خواهم دوباره این تابلوها را برپاکنم. قیام برای این است که مردم گیج و گمراه شده‌اند و باید آگاه شوند و باید خونمان را به صورت این خواب زده‌ها بپاشیم تا بیدار شوند.

بخش عدالتخواه دانشجویی

آدرس : خیابان انقلاب - چهارراه کالج

- جنب بانک ملت - پلاک ۷۸۹ - طبقه اول

تلفن : ۸۸۹۳۸۲۱ و ۸۸۹۳۹۸۳۵ و ۸۸۹۳۹۸۳۵ - شماره: ۸۸۹۳۹۸۳۵